



- <https://khabaronline.ir/xmtCN>
- ۴ مرداد ۱۴۰۳ - ۲۲:۴۸
- کد خبر 1936665
- اخبار سیاسی / احزاب و شخصیت‌ها

پروژه «پشیمان سازی» تندروها علیه دولت پزشکیان

ساسان کریمی

سرخوردگی انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم و نیز نآرامی های سال بعد از آن قطع نظر از موضوع و علت تامه آن، نتیجه فعالیت چهارساله این دو بال ناسازگار ولی موقتاً همراستا بود که جامعه توسعه خواه را به نقطه ای رساند که تغییرات و اصلاح را شکست خورده یافته و راه برون رفت از این بن بست را در امر دیگری جستجو کنند.

دکتر پزشکیان با تمام مشخصاتی که انتخابات ریاست جمهوری، آن هم یک انتخابات زودهنگام در خود داشت به پیروزی دست یافت. از جمله مهمترین مشخصات این انتخابات یکی اختلافی اساسی بود در میان اردوگاه اصولگرایی افتاده بود و از انتخابات مجلس در سال گذشته به ارث رسیده بود و مشخص شد برای همیشه باقی خواهد ماند. دیگر موضوع مهم، دو مرحله ای شدن انتخابات بود و در نتیجه قطبیدگی بیشتر جامعه که منجر به تنویر در خصوص گرایشهای هر دو نامزد باقیمانده و به خصوص حلقه های پیرامون آقای سعید جلیلی شد که جامعه را با جزئیات بیشتری از جریان متبوع ایشان آشنا کرد.

اما به هر حال بعد از هفته ها شور و التهاب توامان، پیروز انتخابات مشخص شد و می توان گفت جامعه به طور شکننده ای از سرخوردگی های چند ساله خود بیرون آمده است. شکستن تحریم انتخابات به خصوص در دور دوم انتخابات، امید بیمناکی را نشان می دهد که در عین حال هم می تواند موتور محرکی برای همگرایی آغاز دولت دکتر پزشکیان قرار گیرد و هم زمینه سرخوردگی بزرگتر. این روزها بسیار این جمله را می شنویم که این فرصت آخر اصلاحات است و این خود نشان از تنگنایی است که دولت پزشکیان به واسطه وضعیت سالهای گذشته از درون آن متولد شده است و بنابراین سختی کار و اضطرابی که از همین ابتدا همراه اوست.

در خصوص چالشهای دولت دکتر پزشکیان می توان فهرستهای متعددی ارائه کرد. اما اهم این چالشها که لااقل تاکنون بر ما عریان شده اند را می توانیم اینطور ذکر کنیم:

۱. عدم سرمایه اجتماعی درخور نهاد دولت در ایران امروز،
۲. گسست و شکاف اساسی که جامعه را به چندین دسته تقسیم کرده است: از سوپر انقلابیون تا اصولگرایان غیرمتحد، اصلاح طلبانی که برخی امیدوارند و برخی خشمگین، تحول-طلبان و همچنین سرخوردگان خاکستری و نهایتاً براندازان،
۳. ناامیدی از اختیارات رئیس جمهور،
۴. خشم باقی مانده از وقایع سال-های گذشته،
۵. نارضایتی ناشی از شرایط مربوط به تحریم، اقتصاد و سبک زندگی،
۶. مقایسه وضعیت کشور با دیگر جوامع پیرامونی،
۷. موضوع مهاجرت و ایرانیان خارج از کشور،
۸. به ارث بردن ناکامی-های دولت-های گذشته،
۹. مساله تحریمها که برون رفت از آنها خود دشواری جدی دارد،
۱۰. احتمال انتخاب مجدد دونالد ترامپ در ایالات متحده و دشواری کار مدیریت تنش با ایالات متحده،
۱۱. تند شدن موضع تروئیکای اروپایی در قبال ایران،
۱۲. تهدید در خصوص استفاده از مکانیسم حل و فصل اختلافات برجام تا مهر ۱۴۰۴
۱۳. اختیارات نامتناسب با انتظارات به خصوص در موضوعات مربوط به فیلترینگ، سبک زندگی و احیاناً سیاست خارجی،
۱۴. اقتصاد ناکام به واسطه-ی مسائل تحریمی،
۱۵. عقب افتادگی فناورانه کشور،
۱۶. عدم سرمایه گذاری اساسی در طول پانزده سال گذشته در کشور،
۱۷. سهم خواهی جریان های سیاسی و در نتیجه زاویه پیدا کردن ایشان با دولت،
۱۸. جنگ رسانه ای علیه دولت از چندین سو.



ملی گلد؛ طلای آبشده بدون اجرت و مالیات، حتی با 50 هزار تومان!

مشاهده

اما آنچه موضوع یادداشت کنونی است، نه چالش-های بنیادین و به ارث رسیده در حوزه-های گوناگون، بلکه تهدیده زمینگیر کرده و از پای در آورند و آن برساخته هایی هستند که زمینه شکستن آراء شکننده و ذهن های درگیر پیرامون

دولت پزشکیان مانند هر راه حل، شخص، جریان و دولت میانه رو، دشمنانی از هر دو سو دارد: اول تندروهای داخلی که بر زمین کمین نشسته اند تا رقیب خود را و به ویژه حامی اساسی و موثرش جواد ظریف را با اولین اهرمی که به دست آید بر زمین بکوبند. راستگرایان تندرو داخلی خوب می دانند که در صورت وجود شور و مشارکت فراگیر در جامعه، بخت گفتمان‌شان برای پیروزی کاهش می‌یابد. بنابراین پیروزی ایشان عمدتاً یا به غیر رقابتی بودن سبب گزینه ها وابسته خواهد بود و یا نیازمند سرخوردگی عموم طرفداران شکننده جریان اصلاح طلبان و میانه روها که البته اولین راهکار خود یکی از قوی ترین زمینه های دومی است.

رونق در انتخابات، دشمنی خارجی نیز دارد: براندازان تندرو، همواره نیازمند گسست اساسی در جامعه ایران برای پیشبرد مطامع خود هستند. بزرگترین رقیب براندازانی که گاه طرفدار حمله نظامی به ایران هم می شوند، البته گفتمان اصلاح تدریجی کشور و بیش از آن، وجود امید و انسجام در جامعه است.

از آنجا که این القای شکست، و دنبال کردن حس ناکامی به سود و در اولویت هر دو سمت تندرو سیاست ایران (داخلی و خارجی) است، از صبح شنبه ۱۶ تیر که برنده انتخابات مشخص شد، چند استدلال اصلی را در کانال‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی و به خصوص در تلویزیون- ایران اینترنشنال و گاه بی بی سی فارسی شاهدیم:

۱. تاکتیک "القای خیانت به رای": تاکتیک نخست، القای حس خیانت به رای حامیان دکتر پزشکیان است که گویی اصلاً ایشان و دولتشان میل و اراده‌ای به اصلاح ندارند، روحیه و گفتمان‌شان بعد از انتخابات با پیش از آن فرق کرده و در عمل رای دهندگان را دستمایه رسیدن به قدرت قرار داده‌اند.

۲. تاکتیک "ناکارآمدی": القای حس ناکارآمدی و نتوانستن، که با مذاقه و اغراق در هر عمل و نتیجه دولت فارغ از نقطه‌ی آغاز و زمان پیشرفته آن انجام می شود. در این تاکتیک تلاش میشود مخاطب از تاریخ و نقطه آغاز دولت و نیز شرایطی که دولت در آن قرار داشته فاصله بگیرد و آن را فراموش کند. نمایش دادن نقایص موجود در جامعه، صحنه های فقر، تبعیض و غیره که واقعی هستند ولی الزاماً نتیجه کار دولت نیستند به صورت سلبی میتواند مخاطب را نسبت به دولت بدبین نماید.

۳. تاکتیک "دست و پا بسته بودن دولت و در نتیجه غلط بودن ایده اصلاح تدریجی کشور از اساس" که در آن هجوم به روان مخاطب از آن دست است که قطع نظر از دولت‌ها و افراد، اساساً امکان هیچگونه بهبود وجود ندارد. باور این امر توسط مخاطب عام، خود بزرگترین مانع بر سر بهبود تدریجی اوضاع خواهد بود.

۴. تاکتیک "تکراری بودن دولت" که در آن تلاش میشود دولت را یک واحد خسته کننده تکراری در پی همه ناکامی های گذشته نشان داده و معرفی کند. در این تاکتیک تمرکز بر آن است که مخاطب هر آن امر مثبتی را که در گذشته انجام شده فراموش کرده یا منکر شود و به سرخوردگی و استیصال برسد.

۵. تاکتیک "القای حس فساد و گعده ای بودن دولت" که در فاصله روانی مخاطب از دولت را به شدت افزایش میدهد. در تشکیل کابینه دولت چهاردهم ابتدا چنین عزمی را شاهد بودیم که با سازوکار شفاف و پهن به ابتکار دکتر ظریف این تلاش خنثی شد.

۶. تاکتیک "مچ گیری و اغراق در هر موردی از اشکالات دولت" که بیش از هر چیز با بزرگنمایی امور واقعی، نپرداختن به روند و نقطه‌ی شروع و بیش از هر چیز پمپاژ دروغ و داده‌ی ناصحیح به جامعه انجام می‌شود.

۷. تاکتیک "القای حس افشاگرایی علیه دولت" که در آن یک خبر نه چندان جدید یا امری خلاف ناگهانی و با سازوکار به صورت بمبی خبری و افشاگرانه منتشر می‌شود که هر گونه دفاع از آن دیگر بیفایده باشد.

در مجموع آنچه مخالفان تندرو دولت، در هر دو سو دستور کار خود از شنبه بعد از انتخابات قرار داده اند، پروژه پشیمان سازی است؛ به سبکی که عده ای در مرداد ۱۳۹۶، اندکی پس از انتخاباتی که در آن ۲۴ میلیون نفر به برنده انتخابات رأی داده بودند کلید خورد. این پروژه از سه جهت انجام و تقویت می شود:

۱. تندروهای داخلی که با امکانات کامل، به تولید محتوای روزمره ضد دولت بدون تابلوی اصولگرایی می پردازند.

۲. براندازان تندرو به خصوص سازمان دهی شده در خارج از کشور و منابع مالی قابل توجه و رسانه های حرفه ای در اختیار دارند،

۳. بدنه شکننده رای دهنده به دکتر پزشکیان یا به خصوص تحریمی که از مردم معمولی هستند،



مّله گلد؛ طلای آبشده بدون اجرت و مالیات، حتی با 50 هزار تومان!

مشاهده

این سه بدون آنکه هماهنگی برنامه ریزی شده‌ای داشته باشند با یکدیگر هم افزایی می کنند. دو گروه نخست توانا سوم نوعاً بی توجه به این سازوکار و زنجیره تولید و نشر محتوا، مصرف کننده و بازنشر کننده آن می شوند. این سه توجه به معضلاتی نظیر ترامپ و کرونا به شدت به تخریب دولت می‌پرداخت، در فعالیتی مشابه، هر آمار، صحنه یا استدلال‌های مشروعیت بخش نظارت افکار عمومی، شفافیت و غیره بر سر دولت آوار می‌کنند و دولت را در ابتدا به جایی برسانند که از جایی به بعد این حملات را بدون پاسخ رها کند و آنجا موقع مرگ امید جامعه است.

در واقع باید گفت سرخوردگی انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم و نیز ناآرامی های سال بعد از آن قطع نظر از م چهارساله این دو بال ناسازگار ولی موقتاً همراستا بود که جامعه‌ی توسعه خواه را به نقطه ای رساند که تغییرات برون رفت از این بن بست را در امر دیگری جستجو کنند.

حالا که جامعه به طور شکننده ای به امید باز گشته است، بر نیروهای سیاسی، رسانه ها، فعالان، دولت و دیگر نهادهای حاکمیت است که نسبت به چنین روندی که میتواند بزرگترین تهدید برای دولت دکتر پزشکیان باشد آگاه بوده و «پروژه پشیمان سازی» را از همین حالا پیشگیری کنند.

مدرس دانشگاه تهران

۲۷۲۱۸

برای دسترسی سریع به تازه‌ترین اخبار و تحلیل رویدادهای ایران و جهان **اپلیکیشن خبرآنلاین** را نصب کنید.



مّی‌گلد؛ طلای آبشده بدون اجرت و مالیات، حتی با 50 هزار تومان!

مشاهده